

تفکر راهی به سوی ایمان

Meditation the Way Toward Faith

DOI: 10.64104/v6.Issue11.n1.2022

پوهاند دکتور محمد اسماعیل لیب بلخی^۱

مقدمه

از آنجایی که تفکر از اهمیت بسزایی برخوردار است علماء آن را عبادت دانسته و در تصحیح تصور، عقیده، سلوک و جهان بینی انسان نقش مؤثر برایش قائل اند که می توان آنرا راهی به سوی ایمان خواند. درین نوشتار که بحثی تحت عنوان : " تفکر راهی به سوی ایمان " نگاشته شده موضوعات ذیل را احتوانموده است:

نخست معنای لغوی واصطلاحی تفکر، بعد اهمیت و فضیلت آن، سپس از حقیقت تفکر سخن به میان آمده است.

البته راجع به انواع واقسام تفکر و تقسیم آن به پسندیده و غیر پسندیده بحث شده و مجالات آن به صورت تفصیلی مورد بحث و کنکاش قرار گرفته است، وهم از روشهای قرآن کریم راجع به دعوت به تفکر بحث به میان آمده و از موانع آن نیز صحبت شده است.

فواید و آثار تفکر که از موضوعات مهم در تفکر است، در این نوشتار به تفصیل بررسی و مورد تحقیق واقع شده، شماره وار به نگارش گرفته شده است، و بحث با ذکر نتایج به دست آمده اختتام یافته است.

واژگان کلیدی: تفکر پسندیده، تفکر مذموم، غذای روح، ایمان

^۱. استاد برنامه ماستری پوهنتون سلام ، +93788314991 ، prolbalkhi@gmail.com

مقدمه

الحمد لله والصلاة والسلام على خير خلق الله وعلى آله واصحابه و من اهتدى بهداه وبعد!

انسان مخلوقی مرکب از عقل، جسد، قلب و روح است و هر یک از این اجزاء نیازمندی و احتیاجات ویژه خود را دارد که از آن تغذیه نماید. الله تعالی برای هر یک غذای مناسبی قرار داده که بوسیله آن تغذیه می‌شود، قراءت؛ خواندن و مطالعه غذای عقل است، طعام و انواع خوراکی‌ها غذای جسد، خلوت با نفس و تفکر در آفریدگار مخلوقات و آیات الهی غذای روح است.

از طرف دیگر الله تعالی نظام هستی و کائنات را با صنعت بسیار بدیع و عجیب و با اتقان کامل پروردگاری آفریده و آن را برای انسان مسخر ساخته و ارتباط انسان را با جهان هستی و کائنات ارتباط مسالمت‌آمیز، با انسجام و تفاعل قرار داده است و الله تعالی در کتاب‌های ارسالی‌اش برخی اسرار این کون را برای انسان یادآور شده و عرصه‌های گسترده‌ی را وا گذاشته تا انسان عقل خویش را در کشف و استکشاف آن به کار برده و بر آتش زنه فکر خویش در آن چخماق زند. و از این جهت در بسیاری از آیات قرآنی به دقت نظر و غورنمودن و اندیشیدن در جهان هستی و کائنات فرا خوانده شده و به روش‌های گوناگون مطالبه صورت گرفته است؛ از جمله اسلوب استفهام انکاری بر آنان که حواس ادراکیه خویش را به کار نبسته و مهم‌ترین وظیفه آن را - که تفکر است - معطل قرار داده‌اند الله تعالی می‌فرماید: «أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا..» و این‌گونه به صیغه‌های «أَوَلَمْ يَرَوْا...» و «أَوَلَمْ يَنْظُرُوا» و «أَفَلَا يَنْظُرُونَ...» آمده و در مقابل بر آنان که تفکر و تدبیر می‌نمایند ثنا و ستایش آمده است. الله تعالی می‌فرماید: «إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ ﴿١﴾ الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ ﴿٢﴾» ترجمه: "یقیناً در آفرینش آسمان‌ها و زمین و آمد و رفت شب و روز برای خردمندان نشانه‌هایی است؛ آنانی که الله را ایستاده و نشسته و خفته بر پهلو یاد می‌کنند و در اسرار آفرینش آسمان‌ها و زمین می‌اندیشند [و می‌گویند] ای پروردگارا! این [دستگاه شگفت‌انگیز] را بیهوده نیافریده‌ی تو را به پاکی یاد می‌کنیم پس ما را از عذاب دوزخ نگاه دار".

اهمیت تفکر در آیات دیدنی و خواندنی الهی از آن لحاظ است که تفکر سبب افزایش ایمان شده و بر یقین و باورمندی مؤمن می‌افزاید، البته این امر نیازمند آن است که انسان در احکام، بینش درست و آگاهی داشته باشد تا با استمداد از قوه تفکر به حکمت و فلسفه اشیاء و احکام؛ آشنایی حاصل نماید.

تفکر آن مفاهیم ایمانی را که به سبب گناهان غائب شده باشد برای قلب روشن و برملا می‌سازد، و هر نوعی از انواع تفکر دریچه‌یی از دریچه‌های ایمان و روزنه‌یی از حقایق آن را بر قلب انسان می‌گشاید. آنگاه حقایق و معانی ایمانی چون یقین، خشیت، محبت، رجاء، توکل، انابت و... در جولان تفکر، برای قلب نمایان می‌گردد، و البته به هر پیمانه‌یی که تفکر با حضور قلب و اعمال عقل صورت گیرد به همان اندازه حقایق ایمانی روشن‌تر، مؤثرتر و خوب‌تر متبلور می‌شود.

با درنظرداشت اهمیت تفکر و نقش آن در تقویت ایمان و افزایش یقین، خواستم نوشتاری را درین مورد ترتیب، پهلوها و جوانب مرتبط به آن را با استناد به نصوص قرآن و حدیث و اعتماد به گفتار علماء و دانشمندان؛ مورد بحث و بررسی قرار

دهم تا باشد این نوشته مختصر روزنه‌ی روشنی را به سوی تفکر، فواید، اهمیت، آثار و نتایج آن بگشاید و انگیزه‌ی گردد که خواننده‌گان این مقاله را به عبادت تفکر و تأمل وادارد، و همین اهمیت سبب گزینش این موضوع برای نگارش نوشتاری به نگارنده گردید، و البته مبرمیت موضوع روی اهمیت و نیازی که به آن دیده می شود به خواننده محترم پوشیده نمی ماند، و اینک غرض توضیح بیشتر و دست یابی به نتایج مطلوب موضوع را طی مباحث ذیل مورد بحث و بررسی به توفیق پروردگار قرار می دهیم :

مبحث اول: مفهوم تفکر

تفکر در لغت:

تفکر در لغت اندیشه کردن، تأمل، اندیشیدن، نظر کردن، تأمل در چیزی، اندیشه، فکر و تعمق^(۳). ابن منظور راجع به معنای تفکر می گوید: «فکر و فکر در چیزی اندیشه را به کار بردن است. او می افزاید که فکر و فکر و تفکیر به یک معنا اند و تفکر اسم تفکیر است و تفکیر به معنای تأمل و اندیشیدن است^(۴). تفکیر نیز به معنای اندیشه کردن است.»^(۵)

و بدین سان فیروز آبادی در قاموس المحيط گفته است: «فکر بکسر فاء و به فتح آن اندیشیدن در کاری است مانده "فكرة" و جمع فکر افکار است، فکر فيه، و أفکر و فکر و تفکر به یک معنا است.»^(۶). صاحب المعجم الوسيط راجع به معنای لغوی تفکر گفته است: «تفکر فی الأمر یعنی إفتکر و معنای افتکر: به یاد آورد و عقلش را در امری به کار برد و تفکیر به کار بردن عقل در امر مشکل و دشواری است تا به حل آن دست یابد^(۷). از مجموع اقوال دانشمندان لغت در مورد تفکر نقاط ذیل به دست می آید:

1- ریشه تفکر، تفکیر و افتکر که از مزیدات اند. ماده اصلی و مجرد آنها (ف ک ر) فکر بوده که به معنای استعمال اندیشه و کار برد آن در امری می باشد.

معنای مجرد و مزید آنها یعنی فكرة تفکر، تفکیر و افتکار یک سان بوده یعنی مزیدات آنها هم لازمی استعمال می شود و صله‌ی شان حرف "فی" می آید.

2- تفکر در اصطلاح:

جرجانی در کتابش (التعريفات) راجع به تفکر و تدبر می گوید: «تفکر عبارت از آنست که قلب با تأمل و نگرش در دلیل، دست اندر کار می شود و در تدبر قلب به نگرش در عواقب و نتایج امور می پردازد، و هم می گوید: تفکر آنست که : قلب برای ادراک و دریافت مطلوب در معانی اشیاء می اندیشد.»^(۸).

ابن القيم می گوید: «تفکر عبارت از طلب قلب آن دانش و معلوماتی ر است که از بواحد امر موجود پیدا و حاصل نیست.»^(۹).

3- دهخدا: علی اکبر دهخدا در سال 1297 تولد و در سال 1324 وفات یافت. لغت نامه دهخدا حرف (تفکر) دانشگاه تهران نشر 1359.

4- ابن منظور: محمد بن مکرم بن منظور افریقایی مصری مشهور به ابن منظور لسان العرب دار صادر بیروت چاپ اول تعداد اجزاء 15 جزء 5 ص: 65 ماده (فکر).

5- لغت نامه دهخدا حرف تا ماده (تفکیر).

6- فیروز آبادی: محمد بن یعقوب الفاموس المحيط ج 1 ص: 589.

7- المعجم الوسيط: مولفین: ابراهیم مصطفی، احمد الزیات، حامد عبدالقادر و محمد النجار ناشر دار الدعوة- تحقیق مجمع اللغة العربية عدد الأجزاء 2 ج: 2 ص: 698.

8- جرجانی: علی بن محمد بن علی السید الشریف الجرجانی: التعريفات ص: 76 تحقیق ابراهیم الانباری، ناشر: دار الکتب العربی بیروت.

9- مفتاح دار السعادة و منشور ولاية العلم والإرادة لابن القيم الجوزية، طبع دار الکتب العلمیة بیروت- لبنان 23/1.

مناوی با تعبیر نسبتاً متفاوت تری تفکر را چنین تعریف می کند: «التفکر طلب الفكر وهو يد النفس التي تنال بها المعلومات كما تنال بيد الجسم المحسوسات»⁽¹⁰⁾.

تفکر جویای اندیشیدن است و آن عبارت از آله و وسیله‌ی است که قلب روح با آن به دریافت معلومات نائل می شود آن گونه که با دست بدن محسوسات به دست آورده می شود.

راغب راجع به تفکر گفته است: « تفکر همانا نیروی فکری است که علم را به معلوم پیوند می دهد، تفکر سیر و جولان همین قوه بر وفق نظر عقل است که ویژه‌ی انسان بوده برای حیوان نیست، استعمال آن خاص در چیزی است که حصول صورت آن در قلب ممکن باشد؛ ازین رو، رسول الله- صلی الله علیه وسلم- فرموده اند: "تفکروا فی آلاء الله ولا تفکروا فی الله"⁽¹¹⁾ یعنی در نعمت های الله متعال تفکر و تأمل نمایید و در ذات الله تفکر نکنید- چون الله تعالی از وصف شدن به صورت منزّه است.»⁽¹²⁾

درمیان تعریفات ذکر یافته تفاوتی زیادی دیده نمی شود ولی می توان در زمینه تعریف راغب را ترجیح داد چون نسبت به تعریفات دیگر جامع تر و شامل تر است

1. حقیقت تفکر:

تفکر در حقیقت عبارت از همان سیاحت نورانی و ریاضت ایمانی است که قلب، با وعی و درک کامل و عقل با بیداری تمام با هم در آن در فراخنای ساحات ایمان بدون قید و بند از اطراف زمین و قیود شهوات انطلاق می نماید تا به دریافت حکمت و معرفت و تحقق بخشی معانی ایمان و صعود در درجات عبودیت با هم جمع شوند.

پس تفکر در حقیقت فرصت بزرگی برای کشف ساحات بزرگ، فراخ و شدید العمقی در نفس انسان است که رسیدن به آن، در غیر همین اجواء صاف و پاک، ناممکن است؛ اجواء که در آن انوار تدبیر با صفای نفس امتزاج می یابد تا به حقایق عبودیت توأم با ضعف، ناتوانی، عجز و نیازمندی انسان و مشاهده‌ی کمالات ربوبیت توأم با کمال، جمال و جلال آن دست یابد.

تفکر با یک عملیه‌ی بسیط و آسان آغاز می یابد، با تفکر، قلب متوجه آیات سرسام آور و شگفت انگیز الهی و عظمت قدرت بی پایان او تعالی در آفریدگان شده به جلال و بزرگی او در فعل و تدبیرش متوجه می گردد، البته این در ابتدا طی یک عملیه‌ی آسانی صورت می گیرد که نیاز به مجاهده و سعی و تلاش زیاد ندارد، بعد عملیه‌ی تفکر کم کم ارتقا یافته تا آنکه متفکر در معانی و مقاصد آیات و عمق تأثیر آن‌ها می اندیشد و تأمل می نماید که البته رسیدن به این درجه به نوعی مجاهدت، سعی و تلاش نیاز دارد، و از عهده‌ی این کار، کسی بدر شده می تواند که بهره از بصیرت (بینش درونی) داشته و از سمو روحی برخوردار باشد، اینجاست که نور بصیرت نسبت به نور چشم، پیشی می گیرد و از ظواهر اشیاء و پدیده ها به حقایق آنها راه می یابد و فضل منعم را از وراء نعمت مشاهده و درک می کند و قدرت عظیم الله تعالی را در هر حرکت و سکون کاینات و جهان هستی به تماشا می گیرد و از عجائب آیات الهی در آفاق و آنفس و از حکمت عظیم شرع وی، زاد

10- عبدالرؤف المناوی ت 1031 التوفيق علی مهمات التعاريف تحقيق دكتور عبدالحميد صالح حمدان طبع اول: 1410هـ 1990 عالم الكتب ص: 104.

11- این حدیث را طبرانی در المعجم الوسیط به روایت ابن عمر آورده و درجه آن را البانی حسن خوانده است و همچنان ابونعیم در الحلیة از ابن عباس به لفظ: "تفکروا فی کل شیء ولا تتفکروا فی الله" آورده است و البته احادیث زیادی به این معنی آمده و عجولنی گفته: اسانید این احادیث ضعیف است اما اجتماع این احادیث قوت کمایی می کند و معنای حدیث صحیح است، کشف الخفا: 311/1 والنهاية فی غریب الحديث 63/1.

12- الراغب الأصفهانی: حسین بن محمد بن المفضل توفی 440 و قیل 470 بنا بر اختلاف که وجود دارد برخی گفته اند بعد از پنجصد فوتیده، المفردات فی غریب القرآن الکریم ج 2/643.

بزرگ ایمانی فراهم می آورد و از همه ی اینها شواهدی را بر بزرگی و جلال اسماء و صفات او تعالی، قدرت عظیم و حکمت تقدیرات، به دست می آورد^(۱۳).

جرجانی راجع به حقیقت تفکر می گوید: «هو احضار ما فی القلب من معرفة الأشياء» تفکر عبارت از حاضر سازی معرفت اشیا است که در قلب وجود دارد» و هم گفته است: «التفکر مصباح الإعتبار ومفتاح الاختیار وحديقة أشجار الحقایق و معرفة الأنوار الدقایق»^(۱۴) تفکر چراغ کسب حیثیت، کلید انتخاب، بوستان درختان حقایق و [وسیله ی] شناخت روشنائی های دقیق است.

تفکر در حقیقت، یک عملیه ی عقلی با درک است که خواستار منطق و شخصی است که اسباب و عوامل مختلف وقایع و رخدادها در یک قضیه مشخص درهم پیچیده را به کار برده می خواهد که منطق و راه حل آن قضیه را فهم و درک نماید، و البته تفکر با افکار چون خیر و شر، حق و باطل، سبب و نتیجه ارتباط وثیق و مستحکمی دارد، تفکر در نتیجه، ما را راجع به عمل و تحلیل اینکه نتیجه ی آن عملیه ایجابی یا سلبی، مفید یا مضر، استوار بر حقایق و منطق است - شناسایی می دهد.

مبحث دوم: اهمیت تفکر و فضیلت آن

اهمیت تفکر از آنجا برملا می گردد که قرآن کریم به اسالیب مختلف در عرصه های متعدد انسان ها را به تفکر و تدبر فرا می خواند و تفکر است که بابتی را برای دریافت حقایق می گشاید و روزه ی روشنی را به سوی دقایق، باز می کند.

البته اهمیت و فضیلت تفکر از نتیجه و برآیند آن بخوبی روشن و هویدا می شود:

ابن جزى مالکى -رحمه الله- می گوید: «فمن تفکر فی عظمة الله اکتسب التعظیم و من تفکر فی قدرة الله استفاد التوکل و من تفکر فی عذابه استفاد الخوف و من تفکر فی رحمة الله استفاد الرجاء و من تفکر فی الموت و مابعده استفاد قصر الأمل و من تفکر فی ذنوبه اشتد خوفه و صغرت نفسه.»^(۱۵).

ترجمه : (تفکر سرچشمه ی هر حال و مقام است؛ بنا بر آن) کسیکه در عظمت الله تعالی تفکر می نماید به تعظیم و بزرگداشت الله تعالی می پردازد و کسیکه در قدرت الله می اندیشد توکل را حاصل می دارد (و به الله متوکل می شود) و هر که به عذاب الهی تفکر می کند خوف [الله تعالی] را کمایی می کند و کسیکه در رحمت الله تعالی تأمل و تفکر می نماید رجاء و امیدواری را در می یابد و کسی در مرگ و ما بعد آن می اندیشد آرزوها و آمالش کوتاه می شود و کسیکه به گناهانش تفکر می کند خوف و هراسش بیش تر و شدیدتر و نفش حقیر و کوچک می گردد.

برایند تفکر در عرصه های مختلف و مجالات متعدد نتایج عظیمی خود را دارد که هر یک از آن به خیر، صلاح و فلاح انسان است که بی تردید، بیانگر اهمیت و فضیلت تفکر است.

ابن القيم راجع به فضیلت تفکر می گوید: «التفکیر یفید تکثیر العلم والتذکر یحفظه ولهذا قال الحسن ما زال أهل العلم یعودون بالتذکر علی التفکر وبالتفکر علی التذکر و یناطفون القلوب، حتی نطقت بالحکمة فالتفکر والتذکر بذار العلم... فالخیر والسعادة فی خزانة مفتاحها التفکر.»^(۱۶). تفکر در علم افزایش می آورد و تذکر آن را نگاه می دارد بدین لحاظ حسن بصری گفته است: "پیوسته اهل علم با تذکر بر تفکر و یا تفکر بر تذکر بر می گردند و با دلها به گفتگو می پردازند تا آنها به

13- مجلة البیان الكويتية که از طرف رابطة الأدباء الكويتيين به نشر می رسد شماره 268 تاریخ نشر: 2010/10/24م با تصرف و اختصار.

14- جرجانی: التعريفات ص: 88.

15- ابن جزى محمد بن احمد بن جزى الكلبي الغرناطی ابوالقاسم توفای 741 القوانين الفقهية فی تلخیص مذهب المالكية ص: 284.

16- ابن القيم: ابوعبدالله محمد بن ابی ابن ایوب الشهير بابن القيم الجوزية ت 751 مفتاح دار السعادة و منشور ولاية العلم والارادة ج 1 ص: 183.

حکمت و دانش زبان بگشایند پس تفکر و تذکر بذر علم و دانش اند [ابن القیم بعد از نقل قول حسن بصری می گوید] خیر و سعادت در گنجینه‌ی قرار دارد که کلید آن تفکر است.

تفکر: عبادت الله تعالی با اسماء، صفات و افعالش بوده و انقطاع و بریدن از غیر او تعالی به سوی او، و مداومت و استمرار همین عمل است که ملکه‌ی تفکر و پند پذیری و دوام توجه به سوی الله تعالی را به انسان می‌رساند، و از آن جایی که تفکر، از بهترین وسیله‌ی شناخت و معرفت الله تعالی برای بندگان می‌باشد، اشرف العبادات خوانده شده است. و این هم از فضیلت و اهمیت تفکر است که اسلام به آن، اهتمام نموده و جایگاه انسان متفکر را از سطح عموم، بالا برده در کنار عارفان که لذت محبت و حلاوت ایمان را به اساس علم و دانش حاصل می‌نمایند، قرار می‌دهد، چون تفکر، علم می‌آورد و علم باعث سمو و بلندی صاحبش شده او را به درجات بلند ایمان می‌رساند؛ چون زیادت علم، موجب زیادت و تقویه‌ی ایمان است؛ طوری که الله تعالی می‌فرماید: {إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ} (17) ترجمه: تنها علماء هستند که از الله می‌ترسند.

راجع به فضیلت تفکر بیهقی در شعب الإیمان از أبو درء -موقوفاً- روایت می‌کند که گفته است: «تفکر ساعة خیر من قیام ليلة» (18) یعنی یک لحظه تفکر، از قیام [بر نماز] یک شب، بهتر است.

تفکر وسیله‌ی ذکر و یاد آوری الله تعالی و وسیله شناخت نشانه‌های قدرت عظیم و عجائب صنعت او در کاینات و مخلوقات بوده باعث تحریک قلوب، و به کار اندازی آنها شده حقیقت ربوبیت الله تعالی را در جهان هستی به مشاهده قرار می‌دهد.

حسن بصری می‌گوید: "ما زال اهل العلم يعودون بالتذكر على التفكير وبالتفكر على التذكر ويناطقون القلوب فاذا لها أسمع وأبصار" (19) پیوسته علما، با تذکر بر تفکر، و با تفکر بر تذکر بر می‌گردند و با دلها حرف می‌زنند تا به حرف آیند، بناگاه که دلها، گوشها و چشمهای دارند، یعنی دلها بیدار شدند و می‌شنیدند، می‌دیدند و فهم می‌کردند، بیداری دل و فهم آنها از مهم‌ترین و بهترین حالت انسان است که به آن دست یابد و مهم‌ترین وسیله‌ی آن تفکر است که موجب تذکر، شده و بعد هر دو باعث بیداری قلب می‌شود که این بزرگترین فضیلت تفکر است.

مبحث سوم: انواع تفکر

1- تفکر از لحاظ متعلقاتش به طور عام به دو گونه تقسیم می‌شود:

الف: تفکر خوب، پسندیده و محبوب:

تفکری که الله تعالی آن را دوست دارد و به آن امر، و ترغیب نموده و بنده گان رابه آن فراخوانده است، طوری که می‌فرماید: «أُولَئِكَ يَتَفَكَّرُوا فِي أَنْفُسِهِمْ ۚ مَا خَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَجَلٍ مُّسَمًّى ۚ وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ لَكَافِرُونَ» (20) ترجمه: آیا [کافران] در ضمیر خود نیاندیشیدند که الله آسمانها و زمین و آنچه را که در میان

17- فاطر: 28

18- بیهقی این اثر را به سند صحیح از ابوداود موقوفاً روایت نموده، شعب الإیمان 117 و هکذا ابن المبارک در زهد 949 از طریق دیگری از ابوداود روایت نموده و ابونعیم در الحلیة 271/4 از حسن بصری روایت نموده و اسنادش صحیح است.

19- الفتاوی الکبری تألیف ابوالعباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه 728 تحقیق محمد عبدالقادر عطا و مصطفی عبد القادر عطا نشر دار لکتاب العلمیه الطبعه الاولى 1408 ج 6 ص 519
20- الروم / 8

این هردواست، جز برای اظهار حق، و برای مدت معینی نیافریده است و یقیناً بسیاری از مردم به ملاقات پروردگارشان کافراند.

و هم فرموده است: «إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَآيَاتٍ لِأُولِي الْأَلْبَابِ ۖ الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ» (21) ترجمه: "یقیناً در آفرینش آسمانها و زمین و آمد و رفت شب و روز، برای خردمندان، نشانه ها است، آنانی که الله را ایستاده و نشسته و خفته برپهلوی یاد می کنند، و در اسرار آفرینش آسمانها و زمین می اندیشند [و می گویند] ای پروردگار! این (دستگاه شگفت انگیز) را بیهوده نیافریده ای، ترا به پاکی یاد می کنیم، پس ما را از عذاب دوزخ نگاه دار".

ابن جریر طبری در تفسیر این آیت می نویسد: "فانه یعنی بذلك أنهم يعتبرون بصنعة صانع ذلك، فيتعلمون أنه لا يصنع ذلك الا من ليس كمثله شيء، ومن هو مالك كل شيء ورازقه وخالق كل شيء ومدبره، ومن على كل شيء قدير، وبهده الإغناء والإفطار والإعزاز والإذلال والإحياء والإماتة، والسعادة والشقاوة." (22)

البته مقصود، این است که ایشان از هنرنمایی و کارسازی صانع آن عبرت می گیرند و آنگاه آگاهی حاصل می کنند که این کار را جز کسیکه شبیه و مثل ندارد و کسی که مالک هرچیز، رازق، خالق و مدبر هر چیز است و کسی که بر هر چیز قادر است، ثروتمند گردانیدن و فقیر ساختن؛ عزت دادن و ذلیل گردانیدن؛ زندگی بخشیدن و میرانیدن؛ سعادت و شقاوت به دست اوست جز او کسی نمی تواند آن را بسازد.

آیاتی که الله تعالی مردم را به تفکر و تدبر جهان هستی، کاینات، آیات خواندنی و دیدنی و نعمتهای آسمانی و زمین دعوت می کند بالاتر از حد شمار است.

در تفسیر قرطبی آمده است که الله تعالی سوره ی آل عمران را به امر، به نظر و تفکر، در آیاتش پایان بخشیده است. زیرا این سوره -و همه قرآن کریم- از ذات حی، قیوم، قدوس، سلام، که غنی و بی نیاز از جهانیان است، صادر شده است، تا ایمان شان مبتنی بر یقین بوده بر تقلید بنا شد، ازینرو فرموده [لَآيَاتٍ لِأُولِي الْأَلْبَابِ] یعنی آنهایی که عقول خویش را در تأمل دلایل به کار می برند. و از عایشه -رضی الله عنها- روایت است: هنگامیکه این آیه (۱۹۰) بر پیغمبر -صلی الله علیه وسلم- نازل شد بپا خاستند و نماز می خواندند، بلال آمد که ایشان را به نماز خبر دهد، دید که گریه می کنند، گفت: یا رسول الله آیا شما گریه دارید در حالیکه الله تعالی گناهان گذشته و آینده ی شما را بخشیده است؟ رسول الله -صلی الله علیه وسلم- فرمودند: ای بلال آیا بنده ی سپاسگذار و شاکر نباشم؟ و امشب بر من این آیت نازل شد: «إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَآيَاتٍ لِأُولِي الْأَلْبَابِ» ویل لمن قراها ولم يتفكر فيها». (23)

وای برحالی کسی که این آیت را می خواند و تفکر نمی کند. این نوع تفکر، تفکر محمود، پسندیده و بلکه مطلوب است؛ تفکری است که انسان را به ایمان پیوند می دهد. شوکانی در تفسیر آیه ی فوق می نویسد: «والمعنى انهم يتفكرون في بديع صنعهما وإتقانهما مع عظم أجرامهما فان هذا الفكر إذا كان صادقا أوصلهم الى الإيمان بالله سبحانه وتعالى.» (24)

یعنی ایشان در شگفتی صنعت، و آفرینش آسمان و زمین و استواری آنها با بزرگی اجرام شان می اندیشند، و هرگاه این

21- آل عمران / ۱۹۰-۱۹۱

22- جامع البیان فی تفسیر القرآن ابوجعفر ابن جریر الطبری ناشر دارهجر چاپ اول ج 6 ص 309

23- الجامع لأحكام القرآن تألیف ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر الأنصاری الأندلسی القرطبی ج 4 ص 310

24- فتح القدیر فی فنی الروایة والدرایة من علم التفسیر تألیف محمد بن علی بن محمد الشوکانی ج 2 ص 60

تفکر و اندیشه صادقانه باشد ایشان را به ایمان به الله سبحانه و تعالی می رساند.

ب: تفکر مذموم

یعنی تفکری که الله تعالی آن را نمی پسندد و موجب خشم او تعالی بوده و از آن در شریعت، نهی آمده است. و این نوع تفکر، در عرصه ها و مجالاتی است که انسان توانایی تفکر در آن را نداشته و اصلاً برای انسان، این توانایی داده نشده، و انسان از درک آن ناتوان و درمانده است، این تفکر؛ تفکر در امور غیبی کیفیت و چگونگی آنها و تفکر در ذات الله تعالی است؛ چون تفکر در چنین امور فراتر از حد ادراک، و بالاتر از توانایی و قدرت عقلی انسان است. از اینرو این تفکر، مذموم و ناپسند است، و همچنین تفکر و تفکیر در امور لایعنی و غیر مقصودی، از تفکر مذموم به حساب می آید؛ مانند تفکر در خیالات و اوهام، طوری که ابن قیم در مفتاح دار السعادة گفته است: «واینچنین [از تفکر مذموم است] شخصی که بر خیالات پست و بی مفهوم و آرزوهای بیهوده زندگی می کند؛ چون شخصی فقیر و بینوایی که خود را غنی ترین انسان تخیل نماید به خواب می بیند که او سرمایه دارترین انسان است و در خیالش می آورد که اخذ و عطا می کند، به کسی احسان می نماید و کسی را محروم می سازد؛ و هکذا شخص ناتوان، ضعیف و مغلوبی که خود را از قوی ترین پادشاهان تصور نماید و به فکر و خیالش بیاورد که در شهرها تصرف دارد و امر و نهی می کند و لشکر مملکت خویش را هر طرف ارسال می دارد و بیرق های جنگ را می بندد، این چنین افکار و اوهام و خیالات مذموم بوده از افکار بیکاره گان، کاهلان و بطلان است؛ آنانی که از واقعیت و از تفکر در امور مقصودی، بَدَر رفته به ساحه ی خیال و جهان وهم و گمان شتافته اند.⁽²⁵⁾

با این توضیح، دانسته می شود که تفکر مطلوب و تفکری که راه ایمان و به گفته ی ابن قیم کلید ایمان است، آن تفکری است که الله تعالی بندگان را به سوی آن، فراخوانده است. ابن قیم می گوید: «ومفتاح الإیمان التفکر فیما دعا الله عباده الی التفکر فیهِ» یعنی کلید ایمان تفکر است؛ تفکر در آنچه که الله تعالی بندگان را به تفکر در آن فراخوانده است.

2- تفکر به اعتبار مجالات آن

تفکر به اعتبار مجالات و عرصه های آن، به انواع و اقسام متعددی تقسیم می شود؛ چون عرصه ها و میدان های تفکر، قابل حصر نیست، هر کسی دروازه ی تفکر، را به سوی هر چیزی بگشاید، آیات و نشانه های عجیب صفات الهی را تماشا می کند؛ طوری که در یک بیت از شعری شاعری به نام لبید آمده است: «وفی کل شیءٍ له آیهٌ ++ تدل علی أنه واحد»²⁶ یعنی در هر چیز، و پدیده ای نشانه ای وجود دارد که دلالت به یگانگی و یکتایی الله تعالی می کند و اینک به برخی از انواع تفکر به اعتبار مجالات آنها اشاره می نماییم:

1- انسان در ذاتش به حیث انسان یک مجال بزرگ تفکرات، نفس انسانی از بزرگترین و مهم ترین مجال تفکر انسانی می باشد؛ «وَفِي أَنْفُسِكُمْ أَفَلَا تُبْصِرُونَ»⁽²⁷⁾. ترجمه: "و در وجود خودتان [نشانه هایی است] آیا نمی نگرید؟".

«سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ»⁽²⁸⁾. ترجمه: "ما به زودی آیات و نشانه های [قدرت] خود را در کرانه های عالم و در نفس های خودشان نشان می دهیم تا برای شان روشن شود که آن حق و راست است".

25- مفتاح دار السعادة تألیف ابن قیم الجوزیه ج 1 ص 180

26- بیت از لبید بن ربیع در دیوان و موسوعه الشعر آمده بعضی هم بیت را به نواس نسبت داده اند و بعضی گفته اند از ابوالعتاهیه است مراجعه شود به سایت www.aldiwan.net

27- الذاریات / ۲۱

28- فصلت / ۵۴

- 2- عقل نامرئی که به چشم دیده نمی شود، یکی از عرصه ها و مجال های مهم تفکر، می باشد.
- 3- حیوانات، نباتات، کوه ها، دریاها، سنگ و چوب و سایر مخلوقات هر یک عرصه ی تفکر می باشد، الله تعالی می فرماید: «قُلْ أَنْظَرُوا مَاذَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا تُغْنِي الْآيَاتُ وَالنُّذُرُ عَنْ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ» (29) ترجمه: "بگو بنگرید که در آسمانها و زمین چه چیزهای [از دلایل توحید] موجود است".
- 4- شب و روز، آفتاب و مهتاب و ستاره گان مجال های دیگر تفکر اند. «وَمِنْ آيَاتِهِ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ...» (30) ترجمه: "و از آیات و نشانه های [قدرت] او تعالی شب و روز و خورشید و ماه است".
- «وَسَخَّرَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ» (31) ترجمه: "او تعالی شب و روز و خورشید و ماه را مسخر شما کرد، و ستارگان همه به فرمان او مسخر شده اند، یقیناً درین (امور) نشانه هایی است برای مردمی که درک می کنند".
- 5- بزرگترین مجال تفکر، قرآن کریم است. الله تعالی تفکر و تدبیر در قرآن کریم را به اسالیب و شیوه های مختلفی مطالبه نموده است:
- * «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا» (32) ترجمه: "آیا درباره ی قرآن، نمی اندیشند، و اگر این [قرآن] از جانب غیرالله می بود، قطعاً اختلافات فراوانی در آن می یافتند".
- * «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا» (33) ترجمه: آیا درقرآن، نمی اندیشند یا بر دل های آنها قفل هایی افتاده است.
- * «وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ» (34) ترجمه: و قرآن را به تو نازل کردیم تا برای مردم تمام آنچه که به تو نازل شده است را، بیان کنی و تا باشد که ایشان بیاندیشند.
- ابن قیم می گوید: «التفكر في القرآن نوعان: تفكر فيه ليقع على مراد الرب تعالی وتفكر في معاني ما دعا إليه عباده الى التفكير فيه، فالأول تفكر في الدليل القرآني والثاني تفكر في الدليل العياني، الأول تفكر في آياته المسموعة والثاني تفكر في آياته المشهودة ولهذا أنزل الله القرآن ليتدبر ويتفكر ويعمل لا لمجرد تلاوته مع الإعراض عنه.» (35)
- تفکر درقرآن دونوع است:**
- 1- تفکر در آیات قرآن، تا انسان بر مراد پروردگار واقع شود[وآن را دریابد].
- 2- تفکر درمعانی آنچه هایی که الله بندگان را به تفکر در آنها فرا خوانده است، اولی : تفکر در دلیل قرآنی است، دومی: تفکر در دلیل عیانی است. اولی: تفکر در آیات شنیدنی و دومی : تفکر در آیات دیدنی است، و بدین سبب الله تعالی قرآن را نازل نموده تا در آن تدبر و تفکر، صورت گرفته مورد عمل قرار گیرد، تنها برای تلاوتی که از لحاظ عمل اعراض از آن صورت گیرد، نازل نشده است.

29- یونس / ۱۰۲

30- فصلت / ۳۷

31- النحل / ۱۲

32- النساء / ۸۲

33- محمد / ۲۴

34- النحل / ۴۴

35- مفتاح دار السعادة، تالیف ابن القيم الجوزیه ج 1 ص 187

6- جهان هستی به شکل کل، عرصه‌ی بزرگ تفکراست، کون کتاب مفتوحی است که تفکر و تدبیر در آن باورمندی و یقین کامل به عظمت آفریدگارش رامی رساند، و رابطه‌ی بنده با الله سبحانه و تعالی را مستحکم می سازد، اتصال بنده با الله به اساس تفکر در جهان هستی که آفریده‌ی پروردگار است، باعث صیقل یافتن روح و تهذیب نفس می گردد، آیات ذیل این ادعا را ثابت می سازد:

* «وَفِي الْأَرْضِ آيَاتٌ لِلْمُوقِنِينَ. وَفِي أَنْفُسِكُمْ أَفَلَا تُبْصِرُونَ. وَفِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَمَا تُوعَدُونَ» (36) ترجمه: و در زمین، دلایل روشن و نشانه‌های [فراوان] برای اهل یقین است، و در مورد وجود خودتان (نشانه‌هایی است) آیا نمی‌نگرید؟ و در آسمان، روزی شما است، و آنچه که وعده داده می‌شود.

* «قُلْ انظُرُوا مَاذَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا تُغْنِي الْآيَاتُ وَالنُّذُرُ عَنْ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ» (37) ترجمه: "بگو بنگرید که در آسمانها و زمین، چه چیزهایی (از دلایل توحید) موجود است، ولی این دلایل توحید، نشانه‌ها و بیم‌دهندگان برای کسانی که ایمان ندارند، سود نمی‌بخشد."

* «أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يُتْرَكَ سُدًى. أَلَمْ يَكُنْ نُطْفَةً مِنْ مَنِيٍّ يَمْنَى. ثُمَّ كَانَ عَلَقَةً فَخَلَقَ فَسَوَّى. فَجَعَلَ مِنْهُ الزَّوْجَيْنِ الذَّكَرَ وَالْأُنْثَى. أَلَيْسَ ذَلِكَ بِقَادِرٍ عَلَى أَنْ يُخْيِيَ الْمَوْتَى» (38) ترجمه: آیا انسان می‌پندارد که بیهوده به حال خود، رهامی شود؟ آیا او از نطفه منی نبود که در رحم ریخته می‌شود؟ باز خون بسته‌ای بود، آنگاه الله او را آفرید، پس موزون و استوار ساخت، بعد از آن، دو زوج مرد و زن پدید آورد، آیا چنین ذاتی قادر نیست که مردگان را زنده کند؟

7- تفکر در صفات الله تعالی و افعالش از عرصه‌ی بزرگ و مهم تفکراست. مسلمان باید در صفات الله تعالی و در مخلوقاتش روی منهج و روشی که قرآن و سنت ترسیم نموده و سلف صالح به آن رفته‌اند، تفکر نماید. البته تفکر در ذات او تعالی ممنوع و از تفکر مذموم است طوری که قبلاً ذکر شد. زیرا این تفکر، منتج به نتیجه و منجر به علم و دانشی نمی‌گردد، و انسان، نمی‌تواند، که ذات او تعالی را درک کند، چون ناتوان و عاجز بوده نمی‌تواند که کنه روح خویش را که یکی از مخلوقات الله تعالی است، درک نماید، پس چگونه کنه ذات و حقیقت آفریدگار عظیم این جهان پهناور و این کاینات سرسام‌آور را بتواند، درک نماید.

8- یکی از مجالات تفکر: تفکر در امور آخرت، شرف، دوام و جاودانگی آن، و تفکر در دنیا، حقارت، دنائت وفانی بودن آنست، ثمره‌ی این تفکر، رغبت در آخرت، و زهد در دنیا است، به هر پیمانه‌ی که علم و آگاهی راجع به آخرت، احوال و احوال آن بیشتر شود، علاقمندی و میلان دلها به سوی خیر و صلاح بیش‌تر شده جوارح و اعضا نیز به فرمان قلب به کارهای خیر و ترک منکرات به جهد و اجتهاد می‌پردازد.

9- یکی از میدانهای وسیع تفکر: تفکر در نعمت‌ها و احسان‌های بی‌شمار الله تعالی است، الله تعالی انواع گوناگون نعمت‌ها را به انسان و همه آفریدگانش ارزانی نموده و رحمت بی‌پایان خویش را بر آنان، گسترده، واز همه مهم‌تر اینکه بندگان را مورد مغفرت و آمرزش قرار داده است، تفکر درین عرصه و مجال، معرفت، محبت، خوف و رجای الله تعالی را در قلب، ایجاد نموده و استمرار تفکر در اینجا توأم با ذکر الله تعالی قلب انسان را با رنگ محبت و

36- الذاریات/ ۲۰-۲۳

37- یونس / ۱۰۱

38- القیامه / ۳۶ وما بعده

معرفت رنگ می دهد که بنده به بهترین مقام تقرب دست می یابد.

مبحث چهارم: روش های قرآنکریم در دعوت به تفکر

قرآنکریم به اسالیب مختلف و شیوه های متعدد انسان ها را به تفکر، فرا خوانده است. این تعدد روش از یکسو دلالت بر اهمیت تفکر دارد و ازسوی دیگر تسهیل برای بندگان است، که اگر ازسباق شیوه و اسلوبی به اهمیت تفکر، پی نبردند از شیوه دیگری بدانند و درک نمایند و به تفکر، روی آورده در ایمان و یقین شان بیفرایند، این روش و شیوه ها قرار ذیل است:

1- شیوه ای امر مستقیم و مباشر به تفکر: الله تعالی می فرماید: ﴿قُلْ إِنَّمَا أَعْظَمُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلِي وَفَرَادَى ثُمَّ

تَتَفَكَّرُوا مَا بِصَاحِبِكُمْ مِنْ جِنَّةٍ إِنَّ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ لَكُمْ بَيْنَ يَدَيْ عَذَابٍ شَدِيدٍ...﴾ (39) ترجمه: "بگو من تنها به شما یک

اندرز می دهم و [آن] اینکه برای الله دو دو نفر یا یک نفر برخیزید سپس بیاندیشید (تا بدانید) که به همنشین

شما هیچگونه دیوانگی نیست...."

وهمچنان فرموده است ﴿كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ﴾ (40). ترجمه: قرآن کتابی است پر

از برکت، آنرا به سوی تو فرو فرستادیم تا درآیاتش بیاندیشند و تا خردمندان، پند گیرند.

2- اسلوب امر به نظر و تأمل و اندیشیدن: الله تعالی می فرماید: ﴿قُلْ انظُرُوا مَاذَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا تُغْنِي

الْآيَاتُ وَالنُّذُرُ عَنْ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ﴾ (41) ترجمه: "بگو بنگرید در آسمانها و زمین چه چیزهایی [ازدلایل توحید] موجود

است، ولی این دلایل توحید، نشانه ها و بیم دهندگان برای کسانی که ایمان ندارند، سود نمی بخشد."

3- روش استفهام انکاری: این روش به صیغه های ﴿أَلَمْ تَرَوْا﴾ و ﴿أَوَلَمْ يَرَوْا﴾ و ﴿أَوَلَمْ يَنْظُرُوا﴾ و ﴿أَفَلَا يَنْظُرُونَ﴾ و امثال

این صیغه ها که زیاداست آمده، مانند فرموده الله تعالی: ﴿أَلَمْ يَرَوْا إِلَى الطَّيْرِ مُسَخَّرَاتٍ فِي جَوْ السَّمَاءِ مَا يُمَسِّكُهُنَّ

إِلَّا اللَّهُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ﴾ (42) ترجمه: آیا آنان به سوی پرندگانی که در فضای آسمان رام شده اند،

ندیده اند؟ جزالله آنها را نگاه نمی دارد، یقینا در آن، نشانه هایی است، برای مردمی که ایمان می آورند.

و مانند: ﴿أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ. وَإِلَى السَّمَاءِ كَيْفَ رُفِعَتْ. وَإِلَى الْجِبَالِ كَيْفَ نُصِبَتْ. وَإِلَى الْأَرْضِ كَيْفَ

سُطِحَتْ﴾ (43) ترجمه: "آیا به سوی شتر، نمی نگرند، که چگونه آفریده شده است؟ و به سوی آسمان، که چگونه برافراشته

شده است، و به سوی کوه ها که چگونه برپا داشته شده است، و به سوی زمین که چگونه گسترده شده است؟"

و مانند: ﴿أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا﴾ (44) ترجمه: "آیا بر قرآن، نمی اندیشند یا بر دلها، قفلهای آنها

افتاده است."

4- روش قسم بر مخلوقات: از شیوه های قرآنکریم به تفکر: قسم به مخلوقات است، الله تعالی با سوگند به مخلوقات

توجه بندگان را به دلایل واضح و آشکاری که در آفرینش این مخلوقات، بر قدرت الله عزوجل دارد، جلب می

نماید، و آنان را متوجه می سازد، که انتخاب این مخلوق به سوگند؛ خالی ازسر و اسراری نیست'الله تعالی در

قرآنکریم به چیزهای زیادی سوگند یاد کرده است؛ مانند: خورشید، ماه، شب، چاشت، انجیر، زیتون، آسمانها و

39- سبأ / ۴۶

40- ص / ۲۹

41- یونس / ۱۰۱

42- النحل / ۷۹

43- الغاشية / ۱۷-۲۰

44- محمد / ۲۴

- ستارگان و.....' این روش در واقع یک نوع دعوت به تفکر در مخلوقات است، که انسانها بنا برسوگند پروردگار به آنها، اهمیت این آفریدگان را درک و در آفرینش آنها تفکر نمایند، تا دلایل قدرت الهی در خلق آنها را، تماشا کنند.
- 5- روش دیگری دعوت به تفکر: نامگذاری برخی از سوره های قرآنکریم به نامهای موجودات زنده و پدیده های طبیعی است؛ الله تعالی می خواهد از این طریق عقول و اذهان انسانها را به اهمیت آنها در دین و دنیا متوجه و بیدار سازد. الله تعالی سوره های زیادی از قرآنکریم را به این نوع چیزها نامگذاری کرده است مانند: الانسان، البقره، الانعام، النحل، العنكبوت، النجم، الطارق، الشمس، الضحی، الليل، الفجر، العصر، الرعد، الطور و الزلزلة و..... بی تردید نامگذاری سوره های قرآنکریم باین نامها، اشاره به اهمیت آنها و اسرار آفرینش و جلب توجه انسانها به تفکر و تدبیر در خلقت و آفرینش آنها دارد.
- 6- یکی ازین روش ها: شیوهی نکوهش و مذمت آنانی است - که به تفکر نمی پردازند و تامل و تدبر نمی نمایند - می باشد. الله تعالی این چنین اشخاص را به نابینایی، ناشنوایی ' گنگ و لال بودن وصف نموده و آنها را گمراه تر از چهارپایان خوانده است؛ طوری که می فرماید: «إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الصُّمُّ الْبُكْمُ الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ» (45) ترجمه: "یقیناً بدترین جنبه گان نزد الله افراد کر و گنگی هستند که نمی فهمند، وهم فرموده: «أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَتَكُونُ لَهُمْ قُلُوبٌ يَعْقِلُونَ بِهَا أَوْ آذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا فَإِنَّهَا لَا تَعْمَى الْأَبْصَارُ وَلَكِنْ تَعْمَى الْقُلُوبُ الَّتِي فِي الصُّدُورِ» (46) ترجمه: "آیا آنان در زمین به سیر و گردش نپرداخته اند، تا دلهای داشته باشند که به آن درک کنند، یا گوشهای داشته باشند که به آن بشنوند؟ چرا که این چشمها نیستند که کور می گردند، بلکه این دلهایی که درون سینه ها اند، کور می شوند.. وهم فرموده: « وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ» (47) ترجمه: "ما بسا از جن وانس را برای جهنم آفریده ایم [چراکه] آنان دلهای دارند که با آن نمی فهمند، و چشمهای دارند، که با آن نمی بینند و گوشهای دارند که با آن نمی شنوند، آنها همچون چهارپایان اند، بلکه ایشان گمراه ترند، آنان واقعا غافل و بی خبرند.
- 7- اسلوب و شیوهی دیگری راجع به تفکر در قرآنکریم تکرار کلمات و معانی است که به تفکر و تعقل ترغیب و فرا می خواند؛ کلماتی چون: يعقلون، يتفكرون و مشتقات آنها و..... بگونه ی مثال: کلمه يعقلون ۲۲ بار، و کلمه يتفكرون ۱۲ بار، مشتقات و دیگر صیغه های تصریفی آنها که بیش تر از ۳۹ بار ذکر یافته است.⁽⁴⁸⁾
- 8- از شیوه های مهم دعوت به تفکر و تدبیر مخاطب قراردادادن ارباب عقول و خرد است.⁽⁴⁹⁾ در قرآنکریم بیشترین خطابات، متوجه اصحاب عقول و ارباب خرد و صاحبان عقل می باشد، و البته سرّ و فلسفه ی آن اینست که ایشان باید عقول خویش را در تدبیر همان نصوص، و در اهتدا و راهیابی از آنچه که در آن نصوص، آمده است به کار اندازند. بگونه ی مثال:

45- الانفال / ۲۲

46- الحج / ۴۶

47- الاعراف / ۱۷۹

48- المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم تالیف محمد فواد عبدالباقی ماده فکر ص 525

49- تیسیر الکریم الرحمن فی تفسر کلام المنان تالیف شیخ عبدالرحمن بن ناصر السعدی ج 1 ص 809

- *- «إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَآيَاتٍ لِأُولِي الْأَلْبَابِ» (50) ترجمه: "یقیناً در آفرینش آسمانها و زمین و رفت و آمد شب و روز نشانه های [روشنی] برای صاحبان عقل و خرد است".
- *- «لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةٌ لِأُولِي الْأَلْبَابِ مَا كَانَ حَدِيثًا يُفْتَرَى وَلَكِنْ تَصْدِيقَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَتَفْصِيلَ كُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ» (51) ترجمه: "به حقیقت، درس‌گذشت آنان [یعنی پیامبران یا یوسف و برادرانش] عبرتی برای خردمندان است".
- *- «كُلُوا وَارْعَوْا أَنْعَامَكُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِأُولِي النَّهْيِ» (52) ترجمه: "[از اینها] خودتان بخورید و مواشی خود را [درآن] بچرانید، یقیناً درین (امور) نشانه های روشنی برای خردمندان است".
- *- «أَفَلَمْ يَهْدِ لَهُمْ كَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنَ الْقُرُونِ يَمْشُونَ فِي مَسَاكِينِهِمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِأُولِي النَّهْيِ» (53) ترجمه: "آیا برای آنان [اهل مکه] روشن نشده است که چه بسیاری از مردمان [قرن‌های مختلف] را پیش از ایشان نابود کرده ایم که اینک ایشان در منازل آنها گام بر می‌دارند، بی‌گمان درین امر، نشانه های روشنی برای خردمندان است".
- ابن جریر طبری در تفسیر این آیت می‌گوید: «الله تعالی ذکر این موضوع را به صاحبان عقل خاص نموده زیرا خردمندان اهل تفکر و اعتبار و اهل تدبیر و پند و درس اند»⁽⁵⁴⁾.
- 9- از شیوه‌های دیگر قرآن‌کریم در دعوت به تفکر ضرب المثاله‌ها به قصد تفکر و تدبیر است:
- الله تعالی در قرآن‌کریم در آیات متعدد و مجال‌های مختلف مثاله‌ها زده و مسلمانان را به تأمل و تدبیر به آنها فراخوانده است. سیوطی از ابن ابی حاتم آورده که وی از ربیع بن انس روایت میکند که گفته: الله تعالی ضرب المثل‌ها را به اعتبار اعمال بیان کرده است، برای عمل صالح، مثال صالح و برای عمل زشت، مثال زشت.⁵⁵ الله تعالی راجع به بیان هدف این مثاله می‌فرماید: «وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ» (56) ترجمه: "و الله تعالی برای مردم مثلهای می‌زند، تا باشد که ایشان پندگیرند". و هم فرموده: «وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ» (57) ترجمه: "و این مثاله‌ها را برای مردم بیان می‌داریم، تا باشد که ایشان بیاندیشند".
- الله تعالی مسیر‌آنهايي که ازین مثاله‌ها انتفاع نبرده اند را توضیح داده می‌فرماید: «وَقَوْمٌ نُوْحٍ لَمَّا كَذَبُوا الرُّسُلَ أَغْرَقْنَاهُمْ وَجَعَلْنَا لَهُمُ لِلنَّاسِ آيَةً وَأَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ عَذَابًا أَلِيمًا. وَعَادًا وَثَمُودَ وَأَصْحَابَ الرِّسِّ وَقُرُونًا بَيْنَ ذَلِكَ كَثِيرًا. وَكُلًّا ضَرَبْنَا لَهُ الْأَمْثَالَ وَكُلًّا تَبَرُّنَا تَثْبِيرًا» (58) ترجمه: "و قوم نوح هنگامی که پیغمبران را تکذیب کردند، ایشان را غرق نمودیم، و آنان را برای مردم درس عبرتی گردانیدیم، و برای همه ستمگاران عذاب دردناکی آماده کردیم، و عاد و ثمود / اصحاب رس و اقوام و ملت‌های دیگری را که درین میان بودند [نابود ساختیم]، و برای هریک از آنها مثل‌ها زدیم [و پند و اندرزها گفتیم، و چون نپذیرفتند] هر یک از آنانرا سخت هلاک و نابود کردیم".
- ابن جریر طبری در تفسیر این آیات می‌گوید: همه این ملت‌هایی را که نابود ساختیم، آنهايي که از آنها نام بردیم و آنهايي

50- آل عمران / ۱۹۰

51- یوسف / ۱۱۱

52- طه / ۵۴

53- طه / ۱۲۸

54- جامع البیان عن تاویل آی القرآن تألیف ابوجعفر محمد بن جریر الطبری تحقیق دکتر عبدالله بن عبدالمحسن التركي ط ۱۴۲۲ ج ۱۶ ص ۸۶

55- الدر المنثور فی التفسیر بالمنثور تألیف الامام جلال الدین السیوطی نشر دار احیاء التراث العربی ط ۱۴۲۱—۱ ج ۹ ص ۸۶

56- ابراهیم / ۲۵

57- الحشر / ۲۱

58- الفرقان / ۳۷-۳۹

که نام نبرده ایم، مثال هایی برایشان زدیم، و ایشان را بر دلایل و صحبت های مان آگاهی دادیم، و با درس ها و عبرت ها عذری برای شان نمودیم، و از ایشان هیچ ملتی را نابود ننمودیم مگر اینکه در رفع معذرت شان به ایشان ابلاغ نمودیم.⁽⁵⁹⁾

10- از روش های دیگر قرآن کریم تعلیل آیات و اختتام آنها با کلمات و صیغه های دال بر تدبر و تفکر است: بسیاری از

آیات قرآن کریم با ذکر عللی پایان می یابد که دعوت به سوی تدبر و تفکر دارد بگونه مثال:

- «كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ»⁽⁶⁰⁾ ترجمه: "بدینگونه الله آیات خود را برای شما بیان می کند، تا باشد که

شما بفهمید".

- «وَاللَّهُ يَدْعُو إِلَى الْجَنَّةِ وَالْمَغْفِرَةِ بِإِذْنِهِ وَيُبَيِّنُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ»⁽⁶¹⁾ ترجمه: "و الله تعالى به حکم و فرمان

خود به سوی جنت و آمرزش فرا می خواند، و آیات خویش را به مردم روشن می سازد، تا باشد که ایشان پند و عبرت بگیرند".

- «انْظُرْ كَيْفَ نَصَرَفُ الْآيَاتِ لَعَلَّهُمْ يَفْقَهُونَ»⁽⁶²⁾ ترجمه: "ببین ما چگونه آیات و نشانه های [قدرت خود] را گوناگون بیان

می کنیم، تا باشد که ایشان بفهمند".

- «فَإِنَّمَا يَسِّرُنَاهُ لِبَلْسَانِكَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ»⁽⁶³⁾ ترجمه: "جز این نیست که ما این قرآن را به زبان تو آسان کرده ایم، تا باشد

که ایشان پند پذیرند".

از این قبیل آیات بی شماری وجود دارد که بشکل نمونه به ذکر برخی از آنها اکتفا نمودیم، و بی تردید بنده ی با ایمان، همواره تلاش می نماید، تا اهداف و غایاتی که آیات قرآنی به خاطر آنها نازل شده است را بداند، و آنرا در زندگی خویش عملی سازد، و البته این کار بدون تدبر در قرآن کریم و تأمل و تفکر در لفظ و معنای آن و در سوق و سیاق آن و بدون عمل به اوامر و ارشادات آن، ناممکن است.

مبحث پنجم: موانع تفکر و پی آمدهای آن

در بحث های گذشته راجع به اهمیت تفکرو جایگاه آن و اهتمام قرآن کریم در مورد آن در مباحث جداگانه مورد بحث ها و بررسی ها قرار گرفت، و به این نتیجه رسیدیم که تفکر، یک عبادت و یک وجیبه دینی و ایمانی و ضرورت انسانی است. اما کدام عوامل، اسباب و موانعی است که انسان را از این وجیبه ی مهم باز می دارد.

ما این موانع را به یاری الله تعالی در این مبحث، مورد بحث و بررسی قرار می دهیم:

1- نخستین مانع تفکر غفلت است: و آن عبارت از انهماک و سستی هیدن در خواسته های زندگی و خواهشات نفسانی

وسرگرم و مشغول شدن به آنها و ترک تفکر، در همه مجال های آنست، الله متعال می فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ

لِقَاءَنَا وَرَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاطْمَأْنَأُوا بِهَا وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ آيَاتِنَا غَافِلُونَ. أُولَئِكَ مَأْوَاهُمُ النَّارُ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ»⁽⁶⁴⁾

ترجمه: "بیگمان کسانی که امید ملاقات ما را ندارند و به زندگی دنیا خشنود شدند و به آن دل بسته اند و کسانی از

آیات ما غافل اند، چنین کسانی جایشان دوزخ است به سبب کارهایی که می کرده اند".

59- جامع البیان تألیف ابن جریر الطبری ج 19 ص 272 وزاد المسیر فی علم التفسیر تألیف ابوالفرج جمال الدین عبدالرحمن بن علی بن محمد الجوزی المکتب الاسلامی دار ابن حزم ط 1--1423 ج 4 ص 475

60- البقرة / ۲۴۲

61- البقرة / ۲۲۱

62- الانعام / ۶۵

63- الدخان / ۵۸

64- یونس: 7-8

وهم در همین سوره می فرماید: «وَلِنْ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ عَنْ آيَاتِنَا لَغَافِلُونَ» (65) ترجمه: "و البته بسیاری از مردم از آیات و نشانه‌های ما غافل اند".

2- اعراض: اعراض یا روی گردانیدن که عبارت از هروب، فرار و نفرت از دلایل حق است، خواه از روی انکار و جحود باشد، و یا از کسالت و تنبلی از مشفقت تفکروپی آمده‌ای تکلیف بر آن بوده باشد، یکی از بزرگترین موانع تفکراست. الله تعالی می فرماید: «وَكَايُنْ مِنْ آيَةٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَمُرُونَ عَلَيْهَا وَهُمْ عَنْهَا مُعْرِضُونَ» (66) ترجمه: "و چه بسا از نشانه‌ها و دلایل [دال بر وجود الله] در آسمانها و زمین وجود دارد، که آنها از کنارش می گذرند، در حالی که از آن روی می گردانند".

و هم الله تعالی فرموده است: «وَجَعَلْنَا السَّمَاءَ سَقْفًا مَحْفُوظًا وَهُمْ عَنْ آيَاتِهَا مُعْرِضُونَ» (67) ترجمه: "و آسمان را سقف محفوظی قرار دادیم اما آنان از نشانه‌های آن روی گردانند".

و هم فرموده است: «وَمَا تَأْتِيهِمْ مِنْ آيَةٍ مِنْ آيَاتِ رَبِّهِمْ إِلَّا كَانُوا عَنْهَا مُعْرِضِينَ» (68) ترجمه: "و هیچ آیه ای از آیات پروردگارشان به کافران نمی رسد مگر آنکه از آن روی گردان می شدند".

3- کبر، عناد و غرور: از مهمترین اسباب و عوامل عدم تفکر است، اشخاص متصف به این صفات، آیات و نشانه‌های قدرت الهی را خوب می شناسند، اما آن حقایق که این آیات به آن دلالت دارد را، انکار می کنند.

اکثر دانشمندان غربی و بسیاری از مستشرقین، مثالها و نمونه‌های زنده‌ی این امرند. الله تعالی می فرماید: «يَعْرِفُونَ نِعْمَتَ اللَّهِ ثُمَّ يُنْكِرُونَهَا وَأَكْثَرُهُمُ الْكَافِرُونَ» (69) ترجمه: "آنان نعمت الله را می شناسند، پس آن را انکار می کنند و بیشترشان کافر اند". و همچنان فرموده است: «وَجَحَدُوا بِهَا وَاسْتَيْقَنَتْهَا أَنْفُسُهُمْ ظُلْمًا وَعُلُوًّا فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ» (70) ترجمه: "آنها ستمگرانه و متکبرانه، معجزات را انکار کردند، در حالی که دل‌هایشان بران یقین و باور داشت".

4- پیروی از هوا و خواهشات نفس: از مهمترین اسباب مانع تفکراست. پیروی هوا به این معنا است که آراء، نظریات، مواقف، سلوک و شیوه رفتار خویش را روی رغبت، اشتها و پیروی خواسته‌های نفس، بدون استناد به علم، عقل و فکر؛ خوب و بهتر می شمارد، در تفسیر قرطبی در تفسیر این آیه: «يَتَّبِعُونَ أَهْوَاءَهُمْ» آمده: «ای آراء قلوبهم وما يستحسنونه و یحبیه لهم الشیطان».⁽⁷¹⁾ یعنی آراء دل‌هایشان و آنچه را که شیطان برای شان خوب میگرداند را پیروی میکنند. الله تعالی میفرماید: «فَإِنْ لَمْ يَسْتَجِيبُوا لَكَ فَاعْلَمْ أَنَّمَا يَتَّبِعُونَ أَهْوَاءَهُمْ وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنِ اتَّبَعَ هَوَاهُ بِغَيْرِ هُدًى مِنَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ» (72) ترجمه: "وچه کسی گمراه تر از آن کسی است که از هوای نفس خود، بدون رهنمودی از جانب الله، پیروی کند، حقا که الله گروه ستمکاران را هدایت نمی کند".

وهم فرموده: «فَلَا يَصُدُّكَ عَنْهَا مَنْ لَا يُؤْمِنُ بِهَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ فَتَرْدَى» (73) ترجمه: "باید که ترا از (ایمان به) قیامت باز

92- یونس

66- یوسف 105

67- الانبیاء- 32

68- الانعام- 4

69- النحل- 83

70- النحل- 14

71- الجامع لاحکام القرآن تألیف امام قرطبی ج 13 ص 295

72- القصص / ۵۰

73- طه / ۱۶

ندارد، کسی که به آن ایمان ندارد، واز هوا و هوس خویش پیروی می کند که آنگاه هلاک شوی."

5- از عوامل و اسباب دیگر مانع تفکر پیروی شیطان: و کثرت گناهان است، شیطان انسان را از راه الله باز میدارد و گناهان، قلب را تاریک و نابینا می سازد، به این معنی که نور و روشنایی قلب، توسط گناهان ناپدید می شود. الله تعالی می فرماید: «وَاتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ الَّذِي آتَيْنَاهُ آيَاتِنَا فَانْسَلَخَ مِنْهَا فَاتَّبَعَهُ الشَّيْطَانُ فَكَانَ مِنَ الْغَاوِينَ» (74) ترجمه: "[ای پیغمبر] برای آنها سرگذشت آن کسی را بخوان که ما آیات خود را به او دادیم، ولی او از دستور آنها خارج گشت، پس شیطان در پی او شد، و از زمره گمراهان گردید."

و در مورد گناهان فرموده است: «كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ. كَلَّا إِنَّهُمْ عَنْ رَبِّهِمْ يَوْمَئِذٍ لَمَحْجُوبُونَ. ثُمَّ إِنَّهُمْ لَصَالُو الْجَحِيمِ» (75) ترجمه: "هرگز [چنین نیست] بلکه آنچه میکرده اند بر دلهای شان زنگار بسته است، همانا آنان در آئروز از [دیدار] پروردگارشان محجوب اند."

6- از عوامل عدم تفکر جمود عقلی و تقلید اعمی است: یعنی پیروی از عادات، رسم و رواجهای متعارف هر چند بیهوده، باطل و بی اساس بوده باشد، بدون تبیین، و نظر در آن به دنبال آن برود، مثال این امر در گذشته ها و قدیم آنهاست که از پدران و پیشوایان خویش در پرستش سنگها و گاوها تقلید می کردند، و در این عصر، آنان اند که از غرب در الحاد و بی دینی و سکولاریزم، دنباله روی می نمایند. الله تعالی می فرماید: «وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا أَلْفَيْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوَّلُوهُمْ لَا يَفْقَهُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ» (76) ترجمه: "و هنگامیکه به آنان گفته شود، از آنچه الله فرو فرستاده است، پیروی کنید، می گویند: آنچه را پیروی میکنیم که پدران خود را بر آن یافته ایم، آیا [از آنان پیروی می کنند] اگرچه پدرانشان، چیزی را نمی فهمیدند، و راه نیافته بودند."

7- جهل و نادانی از مهمترین اسباب عدم تفکر است، زیرا جاهل قیمت و ارزش آیات را نمی داند، و مدلول آنها را نمی فهمد، بناءً یا توانایی تفکر ندارد، و یا از طرز و طریقه تفکراگاهی ندارد، و از اینرو الله تعالی فرموده است: «إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ» (77) ترجمه: "جز این نیست که از بندگان خدا، فقط دانشمندان از او تعالی می ترسند."

8- از موانع تفکیر و تفکر ناکاره بودن روش های تربیتی است: بسیاری از روش های تربیتی شیوه های بناء فکری، طرق حوار و گفتگوهای مترقی و پیش رفته را به کار بسته اصلاً در به سازی راه تفکیر جوانان و نوجوانان از خورده سالی توجه صورت نگرفته است، ضعف و ناتوانی بسیاری از پدران، مدرسین و بی کفایتی آنان نیز در نضج و پخته سازی افکار فرزندان و شاگردان به مستوی و سطح تفکیر و تفکر درین امریاری نموده است، و اگر از واقعیت پدران و مدرسین درین امر، تفتیش صورت گیرد، خواهیم یافت که خیلی از استادان و پدران در تعامل شان با فرزندان و شاگردان، اسلوب امر و نهی را به کار برده فرصت مناقشه و مداوله فکری را هرگز نمی دهند، تا آنان افکار خویش را به کار انداخته و امور مربوط شان را از طریق حوار فکری فعال معالجه نمایند.

74- الاعراف / ۱۷۵
75- الطفقین / ۱۰-۱۴
76- البقره / ۱۷
77- فاطر / ۲۸

۹- سستی، خمول و ضعف همت از عوامل دیگر مانع تفکر علمی است، بسا کسانی اند که به زاد اندکی که دارند، قناعت نموده، اراده و محاوله افزایش اندوخته علمی را ندارند، و همت خویش را براه اصلاح و رعایت آن، غرض تحقق یابی مقاصد بزرگ که انسان به خاطر آن آفریده شده است، بر نمی انگیزند، تا عبادت پروردگار را با بصیرت و دانش و بینش ادا نمایند، از این رو به تفکر به پدیده ها؛ آیات الهی: آیات دیدنی و شنیدنی نمی پردازند. آنچه تذکر یافت برخی از اسباب و عوامل مانع تفکر و تفکر نزد برخی از اشخاص است که به صورت فشرده و مختصر بیان شد. و البته اسباب و عوامل دیگری وجود دارد که ذکر همه آنها از حوصله این نوشتار مختصر بیرون است.

مبحث ششم: فواید تفکر و آثار آن

اولاً: طوری که در مبحث سوم راجع به انواع تفکر و مجالات آن به بحث و بررسی پرداختیم، و انواع مهم تفکر را به اعتبار محاور و مجالات آن، مورد بحث و کنکاش قرار دادیم، اینک درین مبحث می خواهیم فواید هر نوع تفکر را به صورت مشخص، مورد بحث و بررسی قرار دهیم:

- ۱- از فواید تفکر در کون و جهان هستی تجدید ایمان و افزایش آن است. ابن قیم رحمه الله می گوید: تفکر، حقایق امور را کشف و مراتب آنها را درخبر و شربیان و مفضل را از فاضل، جدا می سازد، و تفکر در ایمان می افزاید، به همان نحوه که عمل می افزاید.⁽⁷⁸⁾
- ۲- تفکر انسان را در پیشگاه عظمت پروردگار، بر تواضع و حسن ظن به الله عزوجل، برمی انگیزد، بشر الحافی [یکی از علمای زاهد و عارف] می گوید: لو تفکر الناس فی عظمة الله ما عصوه⁽⁷⁹⁾. اگر انسانان در عظمت و بزرگواری الله بیاندیشند، هیچگاه نافرمانی او را نمی کنند.
- ۳- تفکر آفاق علم و ایمان را برای متفکر می گشاید، آن آفاقی که قبل از تفکر، موجود و معلوم نبوده است، زیرا هر فکر، زاینده ی فکر دیگری بوده، و هر تفکر، فکر تازه را با خود می کشاند.
- ۴- از فواید مهم تفکر، حصول محبت الله تعالی است، زیرا اصل معرفت تفکر، و ثمره آن محبت است، و محبت غایه و مقصد اصلی هر مومن صادق است، و محبت الله تعالی با تفکر به نعمت های او تعالی حاصل می شود، چون نفس انسانی طبیعتاً با کسی که به او احسان نماید، محبت پیدا می کند، در حدیثی که ابن عباس مرفوعاً از رسول الله (صلی الله علیه وسلم) روایت نموده آمده است: « احبوا الله لما یغذوکم به من نعمه و احبونی لحب الله و احبوا أهل بیتی لحبی⁽⁸⁰⁾ » ترجمه: الله تعالی را به خاطر دوست دارید که برای شما رزق می دهد، و با من بخاطر محبت الله؛ محبت نمایید، و اهل بیت مرا به خاطر محبت من؛ دوست بدارید.
- ۵- از فواید تفکر، حصول خوف از الله تعالی است، تفکر به انسان این شعور و احساس را می دهد، که الله تعالی همواره و در هر جای مراقب و ناظر احوال بنده است، و این احساس و شعور، موجب خوف از الله تعالی می گردد، و چون بنده از الله تعالی خوف داشته و دوام وجود و وجود او را با خود احساس کند این امر او را از گناهان دور داشته و از سقوط در وجود او را با خود احساس کند این امر او را از گناهان دور داشته و از سقوط در منجلات جرم و

78-مفتاح دار السعادة تألیف ابن القیم الجوزیه ج 1 ص 540

79-تفسیر القرآن العظیم تألیف عمادالدین ابوالفداء اسماعیل بن کثیر ج 2 ص 184

80-این حدیث را ترمذی در سنن به شماره 3789 و بخاری در التاریخ الکبیر ج 1 ص 183 و دیگر اصحاب سنن روایت کرده حاکم آنرا صحیح خوانده و ذهبی با آن موافقه نموده است سیوطی و دیگران آنرا صحیح ولی ابن تیمیه و برخی دیگر آنرا ضعیف گفته اند

فساد باز می دارد، طوری که الله تعالی می فرماید: «وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَمَنْ يَغْفِرِ الذُّنُوبَ إِلَّا اللَّهُ وَلَمْ يُصِرُّوا عَلَىٰ مَا فَعَلُوا وَهُمْ يَعْلَمُونَ» (81) ترجمه: "و کسانی که چون عمل زشتی را مرتکب می شوند، و یا برخود ستم می کنند، به یاد الله می افتند، و برای گناهان خویش آمرزش می خواهند، و چه کسی به جز از الله، گناهان را می آمرزد، و ایشان بر آنچه که انجام داده اند، آگاهانه بر آن اصرار نورزیده اند".

6- یکی از فواید تفکر، حصول ارتباط و اتصال دایم با الله تعالی است، زیرا تفکر، عبادت و پرستش ذات اقدس الهی با اسماء و صفات و افعالش می باشد، که این نوع عبادت برای مسلمان خوف، خشیت، خضوع، خشوع، و توجه دایمی به سوی الله را نصیب می سازد.

7- و هم از فواید تفکر، حصول علم در قلب است، که منجر به تغییر حالت و وضعیت قلب می گردد، و چون اعمال قلب تغییر یابد، اعمال جوارح انسان هرچه زود به سوی خوب و خوبتر تغییر می یابد، و هب بن منبه می گوید: « ما طالت فكرة امرء قط إلا فهم، وما فهم الا علم، وما علم الا عمل به. »⁽⁸²⁾ ترجمه: فکر و تفکر انسانی (در چیزی) به درازا نمی کشد مگر اینکه آنرا می فهمد، و چیزی را نمی فهمد، مگر اینکه علم برایش حاصل می شود، و چیزی را نمی داند، مگر اینکه بدان عمل می کند.

8- از مهمترین فواید تفکر، ترسیخ و تثبیت ایمان، تنمیه و رشد آن تا درجه‌ی یقین است. تفکر در آفرینش الله و تأمل در پدیده های مختلف در آفریدگان، ایمان مومن را محکم و استوار نموده تا درجه‌ی یقین می رساند، حسن بصری از عامر بن قیس روایت می کند که گفته است: سمعت غیر واحد ولا اثنين ولا ثلاثة من اصحاب النبی (صلی الله علیه وسلم) يقولون: «إن ضياء الإيمان أو نور الإيمان التفکر»⁽⁸³⁾ ترجمه: [عامر بن قیس می گوید] بیشتر از یک 'دو و سه تن از یاران پیامبر-صلی الله علیه وسلم- را شنیدم که می گفتند: تابش یا نور ایمان تفکر است.

9- شناخت الله تعالی برای هر فرد مسلمان، مقصود اساسی و هدف اولی می باشد، و مطلوب مهم، از عبادت تفکر، دریافت همین غایه و هدف مهم است، سالکین و عابرين این طریق، راهی را به سوی پروردگار سریعتر و آسانتر از تفکرنیافته اند.

10- تعوید قلب بر تفکر در جهان هستی که الله تعالی آفریده است، و تفکر در نشانه های قدرتش که درین جهان پراکنده است، و دیدن با چشم قلب به آثار اسماء و صفات و حکمت افعال و قدرت وسیع او، مفاهیم توحید را در قلب، ترسیخ و تثبیت می نماید، و بنده بالوسيله معرفت پروردگار، جلال و عظمت او را کمایی می کند.

ثانیاً: خلاصه فواید تفکر:

فواید مهم تفکر را می توان در فقرات ذیل خلاصه کرد:

- اقرار و اعتراف به وحدانیت الله تعالی.
- زیادت قرب و حصول تقرب بنده به الله تعالی.
- کشف عجایب آفرینش و صنع حیرت انگیز آفریدگار عظیم.

81- آل عمران / ۱۳۵.

82- تفسیر القرآن العظیم تالیف ابن کثیر ج ۲ ص 184 تفسر آیه 190 سوره آل عمران .

83- نفس مرجع قبلی ص 185.

- غرس خوف و خشیت الله تعالی در نفس.
 - زیادت در تواضع بنده در برابر پروردگار بزرگ.
 - افزایش محاسبه نفس بر لغزشها و خطاهای آن.
 - باعث پاکیزگی نفس و روشنی و صفایی روح.
 - قلب را زنده و در ایمان و یقینش به قدرت الله تعالی و عظمت او می افزاید.
 - دانش عمیق، نظر صواب و رای استوار به ارمغان دارد.
 - نفس را از نافرمانی و از مخالفت اوامر الله و دساتیر او، دور نگاه می دارد.
 - دروازه های علم و معرفت را باز، و انسان را به فراگیری علوم جدید و مفید قادر می سازد.
 - یقین بنده را در آمدن رستاخیزو درایستادن به پیشگاه پروردگار مستحکم، و باورمندی او را در آن قوت می بخشد.
 - بنده را برکارهای خوب، مستمر و با دوام، بر می انگیزد، تا توشه ای برای روز قیامت داشته باشد.
- اینها وده ها فواید دیگری که تفکر با خود دارد، بدون تردید، تفکر را در جایگاهی قرار می دهد، که میتوان با صراحت گفت که "تفکر راهی به سوی ایمان است".

نتیجه گیری

1. ازخلال تحقیق وبحث که درین نوشتار صورت گرفته نتایج ذیل به دست می آید :
2. تفکر مهم ترین وسیله دریافت حقایق است که با اعمال فکر و تصرف قلب صورت میگیرد.
3. تفکر نوعی از عبادتی است که الله تعالی طی آیات متعددی مسلمانان را به آن فراخوانده است.
4. با تفکر می توان الله تعالی را با همه اسماء وصفاتش شناخت و به عظمت و قدرت بیکران او پی برد.
5. تفکر درامور که بالاتر از حد ادراک و فراتر از حیطه توان عقل باشد تفکر مذموم و ناپسند است
6. مجال تفکر هردونوع آیات : تکوینی و تنزیلی بوده تفکر درایات تکوینی دلیل عیانی و تفکر در آیات تنزیلی دلیل قرآنی است.
7. روش متعدد قرآن کریم در دعوت به تفکر بیانگر اهمیت و ارزشمندی تفکر است.
8. موانع تفکرناشی از عوامل درونی انسان می باشد
9. فوائد تفکر به اساس تعدد مجالات آن متعدد است
10. تفکر در حقیقت باز نمودن نظرودید به سوی عجائب حیرت انگیز صنعت و خلقت پروردگار در اسرار و دقائق آفرینش است که با آن عظمت پروردگار در آفرینش تجلی می یابد 10—ازخلال این بحث و تحقیق ثابت می شود که تفکر حقا راهی به سوی ایمان است.

مآخذ و مراجع

- 1- الأخطاء المنهجية والتاريخية في مولفات اركون والجابري / دكتور خالد كبيرعلال نشر دارالمحتسب طبع اول سال طبع 2008 م

- 2- التاريخ الكبير / ابو عبد الله محمد بن اسماعيل البخارى تحقيق سيد هاشم الندوى تعداد أجزاء 9.
- 3- التعريفات / على بن محمد بن على الجرجاني تحقيق ابراهيم الأبياري نشر دار الكتاب العربي بيروت.
- 4- تفسير القرآن العظيم - تفسير ابن كثير / ابوالفداء اسماعيل بن عمر بن كثير ت 770 تحقيق سامي بن محمد سلامه نشر دار الطيبه للنشر والتوزيع طبع دوم 1420 هـ.
- 5- التفكير والاعتبار / عبدالكريم الحميد طبع اول 1426 بريدة المملكة العربية السعودية.
- 6- التفكير / خالد بن عثمان البت المكتبة الشاملة قسم الكتب الاسلامية العامة.
- 7- التوقيف على مهمات التعاريف / عبدالرؤوف المناوى ت 1031هـ تحقيق دكتور عبدالحميد صالح حمدان طبع اول 1410 عالم الكتب.
- 8- تيسير الكريم الرحمن فى تفسير كلام المنان / الشيخ عبدالرحمن بن ناصر السعدى نشر مؤسسه الرساله طبع اول سال طبع 1420 هـ.
- 9- تيسير الوصول الى الثلاثه الأصول / عبدالمحسن بن محمد القاسم طبع اول سال طبع 1427 هـ.
- 10- جامع البيان عن تأويل آى القرآن / ابوجعفر محمد بن جرير الطبرى تحقيق دكتور عبدالله بن عبدالمحسن التركى بالتعاون مع مركز البحوث والدراسات الاسلاميه ط سال طبع 1422 هـ.
- 11- الجامع لاحكام القرآن - تفسير القرطبي / ابو عبدالله محمد بن احمد الانصارى القرطبي تحقيق احمد البردونى وابراهيم اطفيش نشر دار الكتب المصريه القايره.
- 12- الدر المنثور فى التفسير بالمأثور / الامام جلال الدين السيوطى تصحيح وتخريج احاديث توسط شيخ نجدت نجيب دار احياء التراث العربى ط سال 1421 هـ.
- 13- زاد المسير فى علم التفسير / الامام ابوالفرج جمال الدين عبدالرحمن بن على بن محمد بن الجوزى المكتب الاسلامى دار ابن حزم ط سال طبع 1423 هـ.
- 14- سنن الترمذى / ابو عيسى محمد بن عيسى الترمذى تحقيق بشار عواد طبع دار الغرب الاسلامى - بيروت سال طبع 1998 م
- 15- شرح العقيدة السفارينية / شيخ محمد صالح العثيمين.
- 16- صحيح البخارى / محمد بن اسماعيل البخارى نشر دار ابن كثير اليمامة - بيروت طبع سوم 1407 هـ.
- 17- الفتاوى الكبرى / تقى الدين ابوالعباس احمد بن عبدالحميد بن تيميه تحقيق محمد عبد القادر عطا ومصطفى عبدالقادر عطا نشر دار الكتب العلميه بيروت لبنان.
- 18- القاموس المحيط / محمد بن يعقوب فيروز آبادى طبع مصر.
- 19- القرآن الكريم.
- 20- القوانين الفقيهيه / ابوالقاسم محمد بن احمد بن جزى الكلبى الغرناطى ت 741.
- 21- لسان العرب / محمد بن مكرم بن منظور افريقى مصرى مشهور به ابن منظور دار صادر بيروت طبع اول.
- 22- لغت نامه دهخدا / على اكبر دهخدا انتشارات دانشگاه تهران تاريخ نشر 1359 هـ.

- 23- المستدرک علی الصّحیحین / ابو عبدالله محمد بن عبدالله الحاکم النیسابوری تحقیق مصطفی عبد القادر عطا
نشر دار الکتب العلمیّ بیروت طبع اول 1411هـ.
- 24- المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم / محمد فواد عبدالباقی دار احیاء التراث العربی بیروت لبنان.
- 25- المعجم الوسیط / مجموعة من العلماء تحقیق مجمع اللغة العربیة نشر دار الدعوة.
- 26- مفتاح دار السعادة ومنشور ولاية العلم والاراده / محمد بن آبی بکر بن قیم الجوزیه دارالکتب العلمیه بیروت لبنان.